

حافظ
همچو حافظ به رخم مدعیان
شعر زندانه گفتنم، هوس است

صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار

معاون سردبیر:
شهرام فرهنگ، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
دبیر: عکس، امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
شورنگار:
مدیر: پروانه بهرام نژاد
مدیر: مریم باقرپور

اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی پور
تماشگر:
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی فرسند

ایرانشهر:
مدیر: زهرا عباسی
تندیسگر:
مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش

سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری
دانشگرا:
مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
مدیر: محمد باریکاتی

جامعه:
مدیر: زهرا عباسی
گزارش:
مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش

سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری
دانشگرا:
مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
مدیر: محمد باریکاتی

میدانی برای
تعامل بیشتر شهروندان



تهران است و چند میدان
سیمروز طباطبایی پور
اصلی و مهم که یکی از آنها به
نام امام امان حسین (ع)، امام سوم شیعیان مزین شده است
میدانی که در گذشته، مسافران دماوند و فیروز کوه و برخی از
شهرهای شمالی کشور را بدرقه می کرد یا به مسافران خسته
از راه که از شرق وارد تهران می شدند، خوشامد می گفت.

تاریخش

روستایی مرتفع در شرق تهران بود که می گویند در عهد
شاهان قاجار، خرگوش های فراوانی داشت. به همین دلیل،
به آن «دوشان تپه» که به زبان ترکی، به معنی تپه خرگوش
است، می گفتند و در شرقی ترین ورودی تهران واقع شده
بوده یعنی کمی آن سوتر از مکانی که اکنون در آن میدان
امام حسین واقع شده است. در واقع در روزگار قاجار، این
میدان اصلاح جزء تهران نبود که بخواهد ساخته شود. حتی در
نقشه های که از تهران سال ۱۳۱۷ باقی مانده، اثری از آن که
نخستین نامش «فوزیه» بود، نیست. اما با توجه به گسترش
تهران در دوره پهلوی اول و تاریخ از دواج و طلاق محمدرضا
پهلوی با فوزیه، شاهزاده مصری که در حدود سال های
۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴ رخ داد، اینگونه به نظر می رسد که حدود
همین سال ها این میدان در شرق تهران ساخته شد.

شمایل آن



این میدان شرقی تهران، ابتدا به صورت دایره ای شکل ساخته
و در مرکز آن یک آب نما و فواره ۳ طبقه بنا شد. در آن روزها به
افتخار وصلت ولیعهد با شاهزاده مصری، نام این میدان بزرگ
را فوزیه گذاشتند، اما پس از طلاق آن دو در سال ۱۳۲۴، نام
این میدان هم به «شهبان» دختر شاه تغییر کرد. البته یک
دهه پس از ساخت میدان، ۴۰۰ اسب در مرکز میدان قرار گرفت
که به همین دلیل برخی آن را میدان چهار اسب می نامیدند.

رونق آن

میدان امام حسین (ع) به خاطر همسان آب نماها و
چمن کاری اش، آهسته به نفر چگاه شرقی نشینان پایتخت
بدل شد و البته ساخت آب نما، بازار خیابان شهرستانی ها به
آن رونق بیشتری بخشید. در دهه ۴۰ شمسی نیز مسجدی
در ضلع شمال غربی آن بنا شد.

تغییر شکل آن

در اوایل دهه ۵۰ شمسی، شهرداری تهران به خاطر تردد زیاد،
تصمیم گرفت زیرگذری هم به میدان اضافه کند که انجام
این پروژه، به درازا کشید. به همین دلیل روزنامه اطلاعات
آن روزها که در هفتم اردیبهشت سال ۱۳۵۳ منتشر شد،
از طولانی شدن ساخت زیرگذر انتقاد و تصویر آشفته ای از
میدان امام حسین آن روزها منتشر کرد؛ این شکل میدان تا
سال ۱۳۹۲ باقی ماند.

حال حاضر آن

میدان ها در گذشته، جایی برای دورهمی های شهری و
تبادل افکار و آرای شهروندان بود که در دهه های اخیر،
این کار کرد میدان ها به کلی فراموش شده است. با توجه به
همین موضوع، از سال ۱۳۹۲ شکل میدان امام حسین (ع)
تغییر کرد و طراحی آن تلاش کردند تا تغییر شکل و تبدیل
آن به یک پیاده راه، آن را به هدف اصلی میدان های شهری که
همان تعامل شهروندان است نزدیک تر کنند. در شکل جدید،
خیابان انقلاب و دماوند تنها از طریق زیرگذر، به هم مربوطند
و روی میدان و برخی خیابان های اطراف به پیاده راه تبدیل
شده اند. البته از سال ۱۳۹۶ تردد خودروها در بخش هایی از
خیابان های اطراف میدان، دوباره جریان یافت و در طراحی
جدید میدان آیینی امام حسین (ع)، همچنین تلاش شد تا
با به کار بردن نشانه های ایرانی اسلامی در طراحی میدان،
رهگذران فضایی معنوی را هم تجربه کنند.



دکته های بدون روزنامه

دکته های روزنامه فروشی، تاریخ مفصلی در تهران دارند، اما در این سال ها هر چیزی می فروشند جز روزنامه
دوره حکومت مطبوعات، دورهای بود که تنها از طریق
روزنامه ها و مجلات اخبار ردوبدل می شد و اگر دولت
می خواست در کوران حوادث قرار بگیرد، باید روزنامه
می خرید؛ همین امروز، برای دنیای مطبوعات ایران، روز مبارکی است؛ روزی که در ۱۸ بهمن
سال ۱۲۸۶ خورشیدی، نخستین قانون مطبوعات در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و



اولین فروشندهگان
در ابتدا روزنامه های ایران بیشتر
دولتی بودند و مردم چندان تمایلی
نداشتند بدانند شاه و درباریان چه
می نوشتند، کجا می روند و چه خواب هایی می بینند.
به همین دلیل نخستین توزیع کنندگان روزنامه ها
بسته می بودند و گاهی کارمندان دولت، اما در دوره
مشروطه، وقتی روزنامه ها رونق گرفتند، بیشتر
کودکان و جوانان، روزنامه به دست، نوی خیابان های
اصلی شهر راه می افتادند و تیتراهای داغ روزنامه ها
را بلندبلند می خواندند تا مردم را به خرید روزنامه
ترغیب کنند. برای این کار، گاهی از چهار یا دوچرخه
هم استفاده می کردند.

اولین دکته کجای تهران سبزه شد
در سال ۱۳۱۰ شمسی، مدیران مطبوعات تصمیم گرفتند تک فروشی روزنامه ها را قطع کنند
و اینگونه شد که شرکتی به نام «تاسیس شد» شرکتی که کارش توزیع روزنامه بود، به
همین بهانه سفارش ۵۹ دکته روزنامه فروشی به فلز کاران داده شد تا با نظارت شهرداری تهران
آنها را در خیابان های مهم قرار دهند. نخستین دکته در سال ۱۳۱۱ در میدان توپخانه متولد شد.



دکته ها در اختیار بچه های مشگین شهر
چیزی که شاید توجه تهرانی ها را در این چنددهه سال جلب کرده باشد، لجه شیرینی است که بیشتر
دکته داران پایتخت دارند. دلیلش این است که از همان ابتدا شغل روزنامه فروشی و دکته داری عملاً در انحصار
گروهی از مهاجران از روستای نقدی علیا در ۲۵ کیلومتری مشگین شهر است. به گفته تهران پوهان آنها در
بدو ورود به تهران در محله دونک ساکن شدند و در ایجاد شبکه توزیع مطبوعات نقش مهمی داشتند. این
مهاجران این کسب و کار را به شغل خانوادگی خود تبدیل کردند و گفته می شود نزدیک به ۸۰ درصد دکته های
شهر تهران را آنها می چرخانند.

مهمان های ناخوانده
در تهران دکته های روزنامه فروشی به بخشی از مبلغان شهری بدل
شدند و دیگر بخشی از هویت فرهنگی شهر به حساب می آمد، اما
آهسته آهسته با پر رنگ شدن فضای مجازی و شبکه های اجتماعی،
تیراز روزنامه ها افت کرد، مستشرق ها هم آب رفتند و دکته های
روزنامه فروشی برای گذران زندگی مجبور شدند سیگار، آدامس و
نوشابه را هم کنار محصولات فرهنگی شان بفرشند.



کنکور
تا همین چند سال پیش، نتایج
کنکور سراسری در مطبوعات
ایران منتشر می شد و دکته دارها
از چند روز مانده به اعلام
اسامی، کیوسک خود را برای
ازدحام غیر معمول و صف های
طولیل پشت کنکوری ها آماده
می کردند

نخستین
طرح از اولین دکته
روزنامه فروشی که
اطلاعات در سال ۱۳۱۰
منتشر کرده است

تهران مصور

قلعه هزار ساله تهران



قلعه مازیار یکی از دیدنی های
تاریخی روستای امامه است. روستای
امامه در گذشته به داشتن راههای
صعب العبور معروف بود. پس قلعه
مازیار در ارتفاعات صعب العبور این
روستا، گزینه ای مناسب برای حاکمان
و جایگاهی ایمن برای پناه گیری
به وقت هجوم دشمنان به حساب
می آمد. قدمت این قلعه که اکنون
یکی از دیدنی های تاریخی روستای
امامه است، به قرن سوم هجری و
حدود ۱۱۰۰ سال قبل برمی گردد.
روایت هایی هم در مورد این قلعه به
چشم می خورد که آن را متعلق به
حسن صباح می دانند. برخی به دلیل
شباهت این قلعه به قلعه های حسن
مرقع و صعب العبور می ساخت،
گفته اند این قلعه تاریخی که با سنگ
و ساروج روی تپه ای مرتفع ساخته
شده، متعلق به حسن صباح است، اما
همانطور که از نام این قلعه تاریخی و
سفال های به دست آمده از آن پیداست،
بنای آن به دوره سلجوقی و دوران
حکومت یک حکمران محلی به نام
مازیار برمی گردد و امیران منطقه
قصران حدود سال ۵۸۱ هجری قمری
در این قلعه مقیم بوده اند. نمای از این
قلعه را می توان از دل روستای امامه
دید. قلعه مازیار مکانی دیدنی و جذاب
برای کوهنوردان شمیران است و برای
رسیدن به آن بعد از گذر از روستای
امامه باید مسیری ۳ کیلومتری را
کوهپیمایی کنند. این قلعه با شماره
ثبت ۳۹۷۲ به عنوان یکی از آثار ملی
ایران به ثبت رسیده و در این قلعه
بقایای اتاق ها، برج و بارو، حصار دفاعی،
غار، قنات یا آب انبار، ارگ و حاکم نشین
دید می شود.



سوزه روز

فرشته های موتور سوار!



قصه موتور سوارها و تخلف هایشان همچنان یکی از
مهم ترین معضلات پیچیده ترافیک شهری است؛ آن هم
وقتی که موتورسواران قانون شکن به خودشان اجازه
می دهند خیابان های یک طرفه را دو طرفه کنند و
پیاده روی های پهن و باریک را اتوبان فرض کنند و حتی
برای آلوده نشدن موتورهایشان، پلاک خود را با ماسک
پوشانند!
اینگونه به نظر می رسد که قانون باید نسبت به این وسیله
نقلیه دوچرخه، سختگیرانه تر برخورد کند تا هم امنیت
راکبان و هم عابران بیشتر تامین شود، اما نباید از حق
گذشت که بسیاری از موتورسواران هم به قانون احترام
بویژه می گذارند و حتی پشت خط عابر پیاده نیز به احترام
عابران توقف کامل می کنند. آفرین بر همه شهروندان
قانونمدار که فرشته های زندگی های امروز شهری اند.